

|                                           |        |                                     |         |
|-------------------------------------------|--------|-------------------------------------|---------|
| تحلیل طبقاتی متکی بر تشخیص تضاد عمده..... | صفحه ۴ | در جنبش جهانی کمونیستی.....         | صفحه ۱۵ |
| تداوم اعتصاب و تحصن پرستاران.....         | صفحه ۵ | اشغال ۳۰٪ سرزمین سوریه.....         | صفحه ۱۵ |
| تظاهرات معلمان.....                       | صفحه ۶ | دو روش متضاد در مبارزه طبقات متخاصم |         |
| مبارزه علیه بستن کانال تلگرام.....        | صفحه ۷ | با یکدیگر!                          | صفحه ۱۵ |

## سکولاریسم رهائی بخش نیست!

این روزها تبلیغاتی از جانب سلطنت طلبان در زمینه ی خدمات رضاشاه پهلوی از جمله در مورد سکولار کردن دولت حاکم ایران را با غلوکردنهای گویلی سر می دهند. آیا در دوره ی ۱۶ ساله ی سلطنتش وی توانست به نظام ارباب رعیتی و کمپرادوری در ایران پایان بخشد؟ نه ولی او خودش را به مالک بزرگ صاحب هزار ده مرغوب هم مبدل ساخت؟

جواب صرفا نه گفتن کافی نیست برای آگاهی شنونده ها. حتا بخشی از جریانات چپ براندازی جمهوری اسلامی را تحقق سکولاری شدن دولت ایران می دانند؟

بررسی این مقوله بدون اتکاء به علم اجتماعی ماتریالیستی دیالکتیکی تکامل مبارزه ی طبقاتی فاقد هرگونه اعتبار و حقانیتی می باشد. بسیاری از مقولات اجتماعی در تعریف کیفیت حق، آزادی، سکولار بودن، دموکراسی، انتخاب نماینده گان، سلطنت، جمهوری خواهی، رفراendum و غیره چیست را بدون جوابی علمی از نظر طبقاتی، بدون ریشه یابی علل بروز درکهای متفاوت هرکدام از این مقولات و ارائه ی نظری که به طورنسیب دقیق، معقول و قابل توضیح باشند نداده و از

بقیه در صفحه دوم

## درگیری گرگ و شغال دو نظام سرمایه داری؟

گرگان امپریالیستی غرب، در عزم کشاندن منطقه ی وسیع ایران تحت اشغال شغالان حاکم، با پیش کشیدن اینکه غنی سازی اورانیوم جهت تهیه ی بمب اتمی در خدمت این شغالان است، دست به تحریم اقتصادی ایران زدند:

پس از چندسال گفت و گو و ضربه زدن به موسسات اتمی در ایران نظیر قطع تولید آب سنگین در جلوگیری از تهیه ی پلوتونیوم و در منع غنی سازی اورانیوم بالاتر از ۳.۵٪ رادیو آکتیو و توافق با ازکار انداختن بخش بزرگی از کانون گریز (سانتریفوژ) های این غنی سازی، برای بقیه در صفحه سوم

## به دفاع از مردم فلسطین برخیزیم

ارتش جنایتکار و اشغالگر اسرائیل تظاهرات فلسطینیان در اعتراض به افتتاح سفارت آمریکا و ادامه اشغالگری و کشت و کشتار فلسطینیان را بار دیگر با خاک و خون کشید. این اولین جنایت رژیم فاشیستی اسرائیل نیست که با کمک امپریالیست های غربی بویژه آمریکا انجام می شود. انتقال و گشایش سفارت آمریکا از تلاویو به بیت المقدس چراغ سبز همکاری دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل در سرکوب و اشغال بیشتر سرزمینی های فلسطین است. امپریالیسم آمریکا با همکاری اسرائیل جنایات متعددی را در خاورمیانه سازماندهی کرده است، اینها دستشان تا مرفق به خون کارگران، زحمتکشان و خلق های دربند بقیه در صفحه چهارم

## کارگران و زحمتکشان ایران نه به طرح رژیم چنج آمریکائی

طرحی است روی میز رئیس جمهور ترامپ آمریکا که «رژیم چنج» را از طریق مناطق مرزی ایران وبا کشاندن ملیت ها ستمدیده در مناطق پیرامونی می خواهد پیاده کند.

حزب رنجبران ایران با حرکت از اصول اساسی جهانبینی اش در سمت توده های ستمدیده خلق ها ایران ایستاده، به رهبران و سرکردگان احزاب و سازمان هایی که به دام دستگاه های امنیتی آمریکائی افتاده اند هشدار می دهد مهر خیانت و جنایت را بر پیشانی خود زنید و بنام ملل ستمدیده کرد، ترک، بلوچ و عرب دست طلب بسوی دلارهای باد کرده ی آمریکا دراز نکنید. درد ملیت ها دردی همگانی است، درد سراسر منطقه خاور میانه است همانطور که دشمنان آنها هم،

مشترک مرتجعان حاکم و امپریالیسم اند. نگاهی به همین چند ماه گذشته بیاندازید و صحنه نبردهای طبقاتی را بازدید کنید: درد ستمدیدگان و آوارگان چه زن و چه مرد دردی است همگانی. در عفرین کشتند و سوزاندند و اشغال کردند، در دیماه گذشته در ایران دربیش از هشتاد شهر توده های عرب، فارس، ترک، بلوچ و کرد برخاستند. دشمن مشترک آنها نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی بیش از سی نفر را به گلوله بستند و پنج هزار نفر را دستگیر کردند، در فلسطین سه هزار نفر را نیروهای اشغالگر اسرائیلی زخمی کردند و شصت نفر را اخیرا کشتند. اردوغان در ترکیه، خامنه ای در ایران نتان یاهو در اسرائیل دشمنان مشترک بقیه در صفحه سوم

# چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



سکولاریسم...  
بقیه از صفحه اول

افتادن به گرداب دیدگاههای مافوق طبقاتی دفاع می کنند.

نباید به طور جاهلانه ای مثل کسانی بود که حتا امروز رضاشاه دیکتاتور ضد کمونیست و آزادی کش را "برقهرمان راه آزادی" تبلیغ می کنند و یا عده ای تصویر خمینی جنایت کار را "درماه آسمان" مشاهده کردند، جایگاه واقعی این ادعاها را نشان ندهیم. امروز بیش از هر زمان دیگر نقش تکیه به آگاهی علمی اجتماعی و مسلح شدن به آن را در تمیز سیاه از سفید و باطل از حق بیاموزیم و در عمل به کار ببنسیم.

آیا سکولاریسم در قالب "جدائی دین از دولت" رهائی بخش است؟ اگر جواب آری باشد چرا بعد از قریب ۳۰۰ سال مدافعان سکولاریسم قادر به جدائی واقعی و راستین "دین از دولت" حتا در کشورهای امپریالیستی نشده اند؟ چرا امروز حتا یک کشور واقعا سکولار در جهان به وجود نیامده و ناف ادیان به صورتهای مختلفی به ناف نظامهای طبقاتی حاکم موجود وصل اند؟!

زیرا زمانی که طبقه سرمایه دار در رهائی از زیر سلطه ی نظام غالب فئودالی در تلاش برای کسب قدرت از جمله سکولار کردن دولتها از طریق جلب هرچه بیشتر توده های مردم زیر سلطه ی فئودالها به حمایت از خود و به زیر مهمیز سرمایه سالاری خویش کشاندن، برقراری سکولاریسم را رهائی بخش قلمداد می کردند. اما به محض این که توانستند قدرت دولتی را به دست آورند، در مقابل خواستهای دموکراتیک توده ها، برای حفظ سلطه خود بایک معلق زدن نه تنها با فئودالها و نهادهای دینی سازش کردند، بلکه با تمام وجود در حفظ توده های کار و زحمت در زیر استثمار و ستم دست به کار شدند:

به دست این دولتهای سرمایه دار، نه به طور قاطعی چه در سطح قانون اساسی هر کشور، چه ضبط کردن ثروت و مراکز تولیدی و خدماتی مدافعان کلیسا، مسجد، معبد، کنست، چه گرفتن مالیات از این موسسات دینی، چه جدائی از نهادهای آموزشی، قضائی، تبلیغاتی، مراسم مذهبی، تعطیلات رسمی مذهبی و غیره امتناع کرده و جدائی دین از دولت صورت واقعیت یافته ای نگرفته و حتا با ایجاد احزاب متکی بر دین و شرکت این گونه احزاب در هدایت دولت در کشورها مناسبات تنگاتنگ و فشرده ای بین دولت و دین برقرار کرده و تاحد حفظ این مناسبات تاکنون پای فشرده اند.

اگر به تاریخ جوامع بشری در چند هزار سال اخیر نگاه کنیم، دو دیدگاه متفاوت ایده آلیسم و ماتریالیسم در برابری دیگر قرار گرفتند. در شرایطی که طبقات حاکم استثمارگر و ستمگر در حفظ موقعیت خویش به دنبال توجیهی در حفظ مناسبات ناعادلانه می گشتند تا این وضع حاکم و محکوم و دارا و ندار را معقول جلوه دهند، ادیانی که برای قابل تحمل کردن فشار و ستم عظیم نسبت به بی چیزان و حواله دادن امید دنیای بعد از مرگ را جهت دلداری مردم علم کردند و حتا در ابتدا معدودی از مسیحیان در صدد ایجاد مناسبات برابری نه در مالکیت بلکه در تقسیم نیاز زندگی برآمدند که دوام چندانی نیلوردند و مسیحیت در آشتی با حاکمان و دست یابی به ثروت و قدرت در خدمت به دولتها درآمدند. این امر هنوز امروز نیز ادامه دارد.

به این ترتیب، اگر به ارزیابی علمی و همه جانبه ی کمونیسم علمی در تلاش برای از بین بردن مناسبات طبقاتی و نظامهای استثمار و ستمگرانه و تبعیضهای ضد بشری نیاندیشیده و به طور سطحی مثلا وجود دموکراسی و آزادی و غیره را در کشورهای امپریالیستی باور داشته باشیم، در این صورت راه رهائی راستین و علمی پیشروی را نیافته و جز خدمت به بقای این مناسبات کهنه و فاسد و ظالمانه هنری از خود بروز نخواهیم داد.

**مارکس با دقت علمی بی نظیری در برخورد به مسائل پایان دادن به سلطه ی دین، آزادی سیاسی و دولت در کتاب درباره مسئله ی یهود نوشت: "تاریخ به اندازه ی کافی در خرافات حل شده است، اکنون خرافات را در تاریخ حل خواهیم کرد. مسئله ی رابطه ی آزادی سیاسی با مذهب برای ما به مسئله ی رابطه ی آزادی سیاسی به آزادی انسان تبدیل می شود. ضعف مذهبی دولت سیاسی را از طریق نقد دولت سیاسی در شکل سکولار آن، جدا از ضعف مذهبی اش، نقد کنیم..."** "هنگامی که دولت به عنوان دولت، مالکیت خصوصی را لغو می کند، انسان به طریق سیاسی اعلام می دارد که به محض آن که شرط مالکیت برای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن لغو شود...، مالکیت خصوصی نیز لغو خواهد شد..."

با وجود این، دولت به مالکیت خصوصی به میزان تحصیلات، به مقام شغلی اجازه می دهد تا به شیوه ی خود یعنی به عنوان مالکیت خصوصی، به عنوان میزان تحصیلات و به عنوان مقام شغلی عمل کند و با ماهیت ویژه ی خود تاثیرگذار باشد.

**دولت نه تنها این تمایزات واقعی را لغو نمی کند بلکه وجودش مشروط به وجود آنها است."**

اما باید اذعان کنیم که مشکل فقط در یک جنبه از سکولاریسم خلاصه نمی شود. با بروز جنبش توده ای در حدود ۱۰۰ شهر در دیماه ۱۳۹۶ در ایران و در شرایطی که هیچ تشکلی قادر به هدایت این جنبش نشد، دیدگاه جنبشی بودن راه رهائی توده های مردم در ایران در جریان تبدیل شدن به دیدی عملی توسط افراد و نیروهای چپ مورد تبلیغ قرار می گیرد. وجود جنبشهای متعدد کارگری، روستا نشینان، زنان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، بازنشسته گان، ملیتها، نویسندگان و هنرمندان، دسته جاتی مذهبی و غیره انکار ناپذیر است.

اما در هیچ جایی از جهان این جنبشها چه به صورت رسته ای و چه جمعی با حفظ نظرات خود به طور جداگانه و یا متحد تا به امروز قدرت دولتی را به دست نگرفته اند و دلایل هم روشن است که در این جنبشها با درکها و خواسته های گوناگون بعضا در مقابل هم ممکن است وجود داشته باشد. بنابراین وحدت این جنبشها همانند وجود نخ تسبیح توانمندی است که دانه های زیادی را در کنار هم و در حرکت باهم نگه می دارد. راهنمایی و حرکت متحد این جنبشها نیاز به قرار گرفتن جنبش کارگری در راس رهبری مبارزات این جنبشها دارد که علت اساسی وجود تمامی این جنبشها را عمدتا ناشی از حاکمیت نظام مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله و استثمار و ستم این مالکان که در ایران سرمایه داری، دانسته و گرد این طبقه ی تاریخ ساز کنونی جنبشها باید جمع شوند تا تومار رژیم منحط و فاسد سرمایه داری را درهم بپچند. امری که کمونیسم علمی این راه ظرفمند را با روشنی ترسیم نموده و ایجاد حزب طبقه ی کارگر کمونیست را پیشقراول جنبش کارگری و جنبشهای توده ای در پیش گذاشته و صحت عملی این رهنمود را ثابت کرده است. اما تزلزلی که امروز در میان تشکلهای چپ ایران در این مورد موجود است و تن به ایجاد چنین حزبی در پیوند فشرده با کارگران کمونیست نمی دهند دست به نظر سازی غیرمادی و یک جنبه ی اتحاد جنبشها باهم را ساز کرده اند، سرسختی به غایت غیر علمی ای است که نه قابل تحقق و نه پایدار می تواند باقی بماند. بنابراین از کلیه ی کمونیستهای که پای بند دفاع از کمونیسم علمی هستند، دست به اقدام اتحاد فشرده با هم و طرد سکتاریسم تشکیلاتی در خدمت به

**مبارزه علیه سرمایه داری جدا از مبارزه علیه امپریالیسم نیست**



کاري کارستان را درپيشبرد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر شروع کرده و فرقه گرانیها و عدول از رهنمود های کمونیسم علمی را افشانموده و گام استواری در این حرکت انقلابی به پیش بگذارند.

ک.ابراهیم

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۷

(۳ مه ۲۰۱۸)



کارگران و زحمتکشان...  
بقیه از صفحه اول

این توده های معترض توی خیابان و پا برهنگان هستند .

امپریالیسم آمریکا آتش بیار معرکه است به گفته ترامپ منافع آمریکا بخوان منافع انحصارات امپریالیستی در این است که همه جا طبق بینش و سیاست های او ردیف شود. او از جنس مسیحیت و یهودیتی است که از جنگ ادیان و نژادها پشتیبانی می کند. برجام را که مورد توافق دولت آمریکا در زمان رئیس جمهور پیشین اوباما بود با توافق کل امضا کنندگان جهانی، یک جانبه باطل اعلام می کند و تنها اسرائیل و عربستان و بحرین با او همراه می شوند. اورشلیم را که طبق تمام قراردادهای جهانی از جمله خود دولت های قبلی آمریکا مشترک بین فلسطینی ها و اسرائیلی ها تصویب شد به اسرائیل محول می کند و امروز بی شرمانه طرح تجزیه ایران را روی میز رئیس جمهور دارد.

در برابر کارگران ایران که امروز بزرگترین نیروی اجتماعی هستند یک انتخاب تاریخی منطبق با دوران انقلابات جهانی موجود است، آنهم راه سوسیالیستی است. راهی که براساس طبقاتی صف دوست و دشمن را مشخص می کند و آزادی و برابری را هدف برای کلیه ملل ایران می داند.

حزب رنجبران ایران با آگاهی از خطر امپریالیسم همچنان روی وحدت و یکی شدن کمونیست ها در پیوند با جنبش کارگری پا فشاری می کند و برای ایجاد یک بدیل سوسیالیستی که در بر گیرنده ی عظیم ترین نیروهای توده ها باشد برای براندازی کل نظام سرمایه داری رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند.

مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه ارتجاع داخلی، از جمله مبارزه علیه رژیم جنایتکار اسلامی حاکم جدا نیست. برماست علیه سکتاریسم، خود مرکز بینی از یکسو و رویزیونیسم ونفی گرایی در جنبش چپ و کمونیستی مبارزه اید ئولوژیک را در خدمت یکی شدن و ایجاد حزب کمونیست واحد براساس اصول کمونیسم علمی به جلو ببریم.

برماست همه جانبه و با تمام نیرو از جنبش های در حال رشد کارگری، زنان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و ملل تحت ستم پشتیبانی کنیم و برای ایجاد وسیعترین نیرو در مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی فعالیت کنیم.

دیل

اردیبهشت ۱۳۹۷



درگیری گرگ و شغال...  
بقیه از صفحه اول

وابسته نمودن به خود جهت خرید میله های رادیو آکتیو در تولید برق رئاكتور اتمی بوشهر، دست به کار شدند. بالاخره این گرگان جهانی توافقی به نام «برجام» (برنامه جامع اقدام مشترک) را با شغالان حاکم ایران به توافق رسیدند. بدون این که پس از آن، کلیه ی تحریمها را از میان بردارند!! علاوه بر امضا کننده گان ۶+۱ (آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین، ایران)، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به این توافقنامه رای دادند.

اما در این میان هارترین گرگ امپریالیسم آمریکا، پس از انتخاب رئیس جمهور جدید دونالد ترامپ فاشیست منش، با تحریک مستقیم روباه صهیونیستی جنگ طلب اسرائیل و دوشیدن رژیم مرتجع عربستان سعودی، در راستای تامین منافع نفوذی خود آمریکا در خاورمیانه و اعلام خارج شدن از این توافقنامه (۸ مه ۲۰۱۸) و تشدید تضاد بین امپریالیستهای ۵ گانه با آمریکا در مورد حفظ برجام، ترامپ دور جدید تحریمهای اقتصادی را تدارک می بیند. اثر نا مطلوبتر گذاشتن این حرکت فاشیست گونه امپریالیسم آمریکا در به فقر کشاندن باز هم بیشتر زندگی کارگران و زحمت کشان می تواند حتا به بروز جنگی نیابتی در ایران - نظیر جنگ در سوریه - فاجعه ی جدیدی را در منطقه خاورمیانه بیافریند.

نه برنامه غنی سازی اورانیوم به منظور تولید برق اتمی در ایران و نه توافق نامه «برجام» مورد حمایت اکثریت عظیم توده های مردم نبوده اند. مداخله ی آشکار گرگ هار امپریالیستی آمریکا در همدستی با صهیونیستها و کشورهای مرتجع عرب نظیر عربستان سعودی، جز تحمیل فقر و فاقه و وابستگی به امپریالیستها هیچ احترامی به آزادی و رهائی این توده های ستمدیده ندارند. کلیه ی این توافقات، یا نفی توافق و مداخلات جدید بین مرتجعان جهانی و داخلی، از نظر توده های مردم محکوم و مطرود به حساب می آیند.

براندازی رژیم جمهوری اسلامی سرمایه داری حاکم و قطع دست مداخله گرانه ی امپریالیستها تنها راهی است که باید در دستور مبارزات کارگران و زحمت کشان قرار گرفته و با کسب قدرت سیاسی و برقراری نظام سوسیالیستی خود را از جهنم کنونی حاکم بر ایران نجات بدهند.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. برچیده باد تجاوز گری امپریالیسم و صهیونیسم و هم داستان مرتجع اینان! مرگ بر جمهوری اسلامی حاکم دشمن درمقابل جنگ طلبی مرتجعان، جنگ انقلابی توده ها جواب راستین است! زنده باد آزادی و سوسیالیسم تنها راه رهائی ۸ میلیارد مردم جهان!

حزب رنجبران ایران

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷

(۱۰ مه ۲۰۱۸)



با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضا و توده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

نظام سکولار با نابودی مالکیت خصوصی بر تولید تحقق می یابد





به دفاع از مردم فلسطین برخیزیم  
بقیه از صفحه اول

جهان آلوده است. امپریالیست های آمریکائی، انگلیسی و فرانسوی برای یک اتهام واهی به دولت سوریه بخاطر امکان استفاده از سلاح شیمیائی با شلیک ۱۱۰ موشک آن کشور را مورد حمله قرار دادند اما در برابر کشتار ۶۳ فلسطینی بی دفاع و زخمی کردن بیش از ۱۷۰۰ حاضر به محکوم کردن لفظی آن هم نیستند. مردم جهان شناخت خوبی از این جنایتکاران بین المللی پیدا کرده اند. حزب رنجبران ایران در ۷۰ مین سالگرد روز نکبت اخراج فلسطینیان از سرزمین خودشان در ۱۵ مه ۱۹۴۸، اشغال فلسطین را شدیداً همراه با کشتارها فلسطینیان در درون کشور خودشان محکوم می کند. ضمن تسلیت به خانواده های مصیب دیده عظیم فلسطینی، از همه نیروهای کمونیست و عدالت طلب می خواهد که برای دفاع از کارگران و زحمتکشان فلسطین هر چه بیشتر متحدانه عمل کنند و رژیم فاشیست صهیونیستی اسرائیل را محکوم نمایند.

دست دولت جنایتکار اسرائیل و امپریالیست ها از فلسطین کوتاه زنده باد جنبش انقلابی و رهائی بخش فلسطین

حزب رنجبران ایران  
۲۰۱۸/۵/۱۴



## تحلیل طبقاتی متکی بر تشخیص تضاد عمده

شناخت دوستان و دشمنان انقلاب در هر کشور، تحلیل مشخص از تضادهای طبقاتی مختلف و مرکب موجود آن، تشخیص مادی و عینی خطرناک ترین و مهاجم ترین دشمنان عمده طبقه کارگر و توده های زحمت کش در هر مرحله از تاریخ مداخلات و عمل کرد این دشمنان تاکتیک انقلابی طبقه کارگر می باشد. پس از شکست دادن دشمنان به علت وجود تضادهای متعدد، در شرایط جدید تحلیل و تشخیص دقیق دشمنان جدید

عمده و تمرکز نیرو در به شکست کشاندن این دشمنان اهمیت تعیین کننده ای دارد. کلاً اجرای این رهنمود دقیق کمونیسم علمی، عمل تعیین کننده ای در پیشبرد مبارزه طبقاتی و دست یابی به پیروزی توسط طبقه کارگر و توده های زحمت کش تحت رهبری حزب کمونیست انقلابی راستین هر کشور می باشد. در این ارتباط امتناع از این سبک دیالکتیکی بررسی تشخیص مرحله ای در حرکت حل تضادها نتیجه ای جز افتادن به پاسیویته و یا چپ و راست زندهای سیاسی در امر عدم حل تداوم مبتکرانه ی تضادهای طبقاتی به سود طبقه کارگر بیار خواهد آورد.

در اثبات این تحلیل در گام اول از رهنمود کمونیسم علمی آموزش زیر را بیاموزیم:  
"هرگاه پروسه ای حاوی تضادهای متعدد باشد، یکی از آنها ناگزیر تضاد عمده خواهد بود که دارای نقش رهبری کننده و تعیین کننده است، درحالی که بقیه تضادها نقش درجه دوم و تبعی خواهند داشت. لذا در مطالعه یک پروسه مرکب که حاوی دو یا چند تضاد است، باید نهایت سعی در یافتن تضاد عمده شود. به مجرد این که تضاد عمده معین شد، کلیه مسایل را می توان به آسانی حل کرد. این اسلوبی است که مارکس در تحقیق جامعه سرمایه داری به ما آموخته است... هزاران دانشمند و پراتیسین وجود دارند که قادر به درک این اسلوب نیستند و در نتیجه، در پیچ و خم کوره راه ها حیران و سرگردان می مانند؛ آنها از یافتن حلقه عمده زنجیر ناتوان و عاجزند و از این روست که قادر به یافتن راه حل تضادها نیستند". (مائو - آثار منتخب جلد ۱ به فارسی - اوت ۱۹۳۷ - صص ۵۰۳-۵۰۴)  
بررسی نمونه ی بروز جنگ بیش از ۷ ساله ای که به ویرانی کشور سوریه و نابود شدن آن و بی خانمانی ۷ تا ۱۰ میلیون نفر از توده های آواره و پناهنده منجر شده و نه تنها تضادهای درون کشوری بلکه تضادهای امپریالیستی نیز پایان این جنگ ویرانگر را با کشاندن آن به جنگ نیابتی امپریالیستی سوق داده است. در این راستا بخشی از تضادهای اساسی موجود در این کشور عبارتند از:

- (۱)- تضاد طبقه کارگر و توده های مردم با نظام سرمایه داری سرکوبگر حاکم؛
- (۲)- تضاد ملیتی و مذهبی بخشهایی از مردم با رژیم حاکم؛
- (۳)- تضاد رژیم حاکم در مقابله با مداخلات امپریالیستهای غرب و صهیونیستها؛
- (۴)- تضاد رژیم حاکم با کشورهای مرتجع

عربی و ترکیه همدست با امپریالیستها و صهیونیستها؛  
(۵)- اتحاد رژیم حاکم با امپریالیسم روسیه و رژیم مرتجع ایران علیه امپریالیسم و صهیونیسم؛

(۶)- تضاد رژیم حاکم با بخشی از نیروهای داخلی و خارجی تروریست در اتحاد با امپریالیستها و کشورهای مرتجع منطقه؛  
۸ سال پیش با بروز تظاهرات توده های مردم علیه رژیم حاکم، شروع مقاومت مسلحانه ی نظامی بخشی از اپوزیسیون رژیم حاکم وابسته به بورژوازی و خرده بورژوازی، پشتیبانی سریع نیروهای امپریالیستی و کشورهای مرتجع منطقه از این اپوزیسیون داخلی علیه رژیم، نشان داد که اپوزیسیون وابسته به امپریالیسم به دام "انقلاب مخملی" امپریالیسم غرب در کشاندن این کشور به زیر نفوذ خود و دست یابی به میدانهای نفت و ادامه ی نفوذ خود در فتح بی قید و شرط خاورمیانه بزرگ امپریالیستهای غرب استراتژی جنگهای نیابتی را به پیش می برند. به همین علت، این بخش از امپریالیستهای مهاجم، با توسل به ارائه ی کمک نظامی به اپوزیسیون ارتجاعی داخلی سوریه ادامه دادند و بلافاصله نیروهای مشترک کشورهای ارتجاعی و امپریالیستی و مشخصاً ناتو و تروریستهای وابسته به کشورهای مرتجع عرب مخالف رژیم دست به کار فتح و توطئه ریزی شدند. امری که نشان داد رژیم داخلی حاکم سوریه با مقاومت در برابر سیاست مداخله گرانه ی امپریالیستی غرب، خیزشهای مصنوعی "بهار عربی" و استراتژی به زیر سلطه درآوردن کامل کشورهای خاورمیانه از طریق پیش روی درسوریه با شکست نهائی مواجه ساخته اند.

بدین ترتیب تضاد عمده توده های مردم علیه رژیم با مداخلات مستقیم امپریالیستهای غرب و دولتهای مرتجع هم دست با امپریالیستها و صهیونیستها و تروریستهای دست پرورده ی این دولتهای جهانی و اپوزیسیون وابسته داخلی مرتجع، شکوفا شدن خود را از دست داد، و جنگ بین رژیم سوریه و جنگ افروزان داخلی و خارجی - تبدیل به تضاد عمده شد. یا وابسته گی - تبدیل به تضاد عمده شد. رژیم حاکم سوریه به منظور قطع مداخلات امپریالیسم و صهیونیسم و کشورهای مرتجع و به شکست کشاندن نیروهای مرتجع عرب داعش، ال نهضه و غیره به نفع خود، دست طلب کمک گرفتن از متحدین امپریالیست رقیب غرب و کشورهای مرتجع دیگر نظیر ایران زد تا مناطق تحت اشغال دشمنانش را



به زیر نفوذ خود در آورد و تا کنون به موفقیت‌های قابل ملاحظه ای دست یافته است. با این رژیم سیاست هشیارانه در اتحاد با روسیه (از اکتبر ۲۰۱۵) و جمهوری اسلامی زودتر از آن که منافعی در این مورد با آن رژیم دارند، دست به همکاری فشرده زد. در صورت قطع تجاوز امپریالیست‌های غربی، صهیونیست‌ها و نیروهای وابسته به مرتجعین عرب، تضادهای جدیدی چه در رابطه با قطع دست مداخله گر دوستان متحد رژیم حاکم و چه در ادامه ی مبارزه علیه طبقه کارگر و توده های مردم و یا خواستهای ملی تبدیل به تضاد عمده جدید می توانند تبدیل شوند. خط مشی انقلابی و متحد طبقه کارگر علیه این رژیم نتوانست به مثابه تضاد عمده عمل کند.

اما چنان که شاهد آن هستیم صهیونیست‌ها و امپریالیسم آمریکا بهانه‌ای حضور نیروهای رژیم جمهوری اسلامی ایران سیاست بیرون رفتن این نیروها از سوریه را بهانه ای کرده اند که می تواند هم به مداخلات بسیار مستقیم امپریالیستی - صهیونیستی و اقماری از نوع عربستان سعودی در سوریه انجامیده و هم بهانه ای برای گسترش جنگ به سوی ایران توجیهات تجاوزگرانه را فراهم سازد. در صورتی که کلیه ی این تغییرات به سود رژیم حاکم سوریه تمام شود، تبدیل تضادی از تضادهای فرعی تا کنونی فوق الذکر، می تواند به تضاد عمده، نظیر قرار گرفتن طبقه کارگر در راس جنبشهای توده ای و تحت رهبری حزب راستین کمونیستی قادر به رهبری سیاسی این حرکتها شود، عملاً حاکمیت رژیم کنونی سوریه در راس قدرت تا زمانی که این تضاد رشدی کافی نیابد، دوام خواهد آورد.

بررسی وجود تضادهای مختلف در ایران از جمله بین طبقه کارگر و توده های مردم با حاکمان، مداخلات امپریالیسم و صهیونیسم همراه با مرتجعین کشورهای عربی نظر عربستان سعودی و هم نوائی اینان با اپوزیسیون بورژوائی و خرده بورژوائی داخلی (سلطنت طلب و مجاهد و ملی مذهبی ها)، در تحقق "انقلاب مخملی" در ایران به رهبری این بخش از ضدانقلابیون جهانی و داخلی، هیئت حاکمه جمهوری اسلامی با متوسل شدن به امپریالیسم روسیه که در منطقه ی نفوذ آن قرار دارد، جهت حفظ موقعیت سلطه طلب خود، سناریوی مشابه سوریه می تواند در ایران نیز تکرار شود. با این تفاوت که در صورت ایجاد حزب کمونیست انقلابی ایران با شرکت مستقیم طبقه کارگر، به دلیل رشد مبارزه طبقه کارگر و نارضائی توده

های وسیع مردم و کلا شناخت مناسبی از ماهیت امپریالیسم و نظام سرمایه داری در شکل سیاسی سلطنتی و اسلامی موجود می باشد. لذا رهائی اکثریت عظیم استثمار شده و ستمدیده در مرحله ی انقلاب کارگری و برقراری نظام سوسیالیستی تنها دورنمایی است که مسیر پیشروی این اکثریت عظیم را به روشنی نشان می دهد و برای حرکت در آن ضروری است کمونیست‌های ایران با ضربه زدن قاطع علیه فرقه گرائی در تضعیف صف متحد و یک پارچه کمونیست‌ها و کارگران در ایجاد حزب با تئوریه مصمم، فداکار و متحد، مبارز و آگاه، اعتماد این اکثریت عظیم را به دست آورند.

پاسخ ندادن شایسته کمونیست‌ها به این نیاز مبرم طبقه کارگر چیزی جز سلانه سلانه و کودکانه کارکردن و بالانبردن شناخت کمونیست‌ها از این نیاز نبوده و با عدم احترام به این واقعیت در پافشاری روی فرقه گرائی، تبلیغ همه باهم، اتحاد جنبشهای مستقل و خواست گذار همه چیز از آن، بدون داشتن کیفیت تحقق خواسته ها، و غیره جز دادن قربانیان بیشتر دیگری که پیوسته ادامه داشته است، نصیبشان نخواهد شد. با چنین موضعی به اکثریت عظیم کارگر و زحمت کش نشان خواهند داد که فرزندان انقلابی راستین مدافع طبقه کارگر نبوده و به طور عاریتی در حفظ وضع موجود نظام غیر سوسیالیستی با جامه "خر در پوست شیر" عمل می کنند. طبقه کارگر آگاه کمونیست در مقابله با این وضع جواب شایسته ای خواهد داد که توسط زنده یاد جانباخته از زندان، مسیر حرکت کمونیست‌ها و کارگران و توده های مردم را با روشنی تاکید کرده است: چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

ک. ابراهیم  
۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۷  
(۶ مه ۲۰۱۸)



## تداوم اعتصاب و تحسن پرستاران

بعد از سرکوب جنبش دیمه ، و بگیر و ببند های متعاقب آن ما نه تنها با سکوت و تسلیم به این سرکوب ها روبرو نبودیم بلکه توده های به جان آمده ، البته در ابعاد کمتر ولی شجاعانه تری به مقابله با سرکوب گران و ادامه درخواست های خود پرداختند. هر

قشرو طبقه ای پیگیرانه خواست های خود را مجدداً به شیوه های خود مطرح و برایش فعالیت های گسترده ای را شروع کرده اند. پرستاران به اعتصاب، تحسن ها و تجمع های خود در برابر نهادهای "ذی صلاح" ادامه داده و خواهان افزایش حقوق و پرداخت حقوق های عقب مانده شدند. وضعیت پرستاران در ایران نشان می دهد که با وجود هزاران پرستار بیکار فارغ التحصیل دانشگاهی، با کمبود هزاران پرستار در این زمینه مواجه هستیم. کار طولانی، شب کاری، عدم امنیت شغلی و حفاظتی، فاصله حقوقی، تعداد بیش از حد مقرر مریض برای هر پرستار و استانداردهای کار از جمله مشکلاتی هستند که قشر پرستار با آن درگیر است. اعتراضات پرستاران به مثابه نیروی کار در بخش خدمات همچون دیگر مزدگیران با بحران عمومی اقتصادی، عقب افتادگی حقوق و مزایا و عدم افزایش حقوق شروع شد و همچنان ادامه دارد. بعلت اینکه اکثریت پرستاران را زنان تشکیل می دهند، نابرابری حقوق و مشکلات محیط کار هم بر مشکلات دیگر کار در ایران اضافه می شود. در عین حال بعد از ساعت ها کار طاقت فرسا، آنها مجبور هستند هم بخش اصلی کار خانه را بدوش بکشند و هم نان آور خانواده شان باشند.

دولت جمهوری اسلامی در ظاهر به علت کمبود پرستار طرحهایی را به نام طرح تحول و یا ارتقای باور بالینی که شامل آموزش ۱۰۰۰۰ پرستار با آموزشهای یک ساله به نام کمک پرستار است، و نیز تعرفه گذاری (برای تعیین دستمزدها برای خدمات گوناگون) ولی در حقیقت برای اختلاف بر سر حقوق بین پرستاران در طی سال های گذشته... مطرح کرده است که با اعتراض گسترده پرستاران بخاطر زیر پا گذاشتن استانداردهای آموزشی حقوق و کار از جانب دولت روبرو شده است. اعتراضات پرستاران که بصورت تجمع مقابل نهادها و ارگان های مربوطه به بهداشت و وزارت کار و مجلس انجام شد دارای دو درخواست اساسی بودند ۱ - دریافت حقوق های عقب مانده ۲ - اصلاح سیستم پرستاری در کشور. البته این دو درخواست بخش های وسیع دیگری را هم در اجرایش در برخواهد گرفت از جمله اصلاح نظام بهداشتی کشور، اصلاح سیستم استخدامی، بیمه و بهداشت همگانی، برچیدن خصوصی سازی در امر بهداشت و درمان، برچیدن سیستم قاچاق دارو و انحصاری کردن برخی اقلام دارویی و وسایل پزشکی در اختیار

## تظاهرات معلمان

هرروز که می گذرد موجی پشت موجی دیگر، متشکل، مستقل وبا برنامه ی حساب شده ی، توده های معترض - از کارگر گرفته تا معلم و دانشجوی شهر و روستا - در سراسر ایران بر می خیزند وبا هدفی هر روز مشخص تر و فشرده تر برای تغییر اوضاع اقدام می کنند. خواستها و تقاضاهای برآورده نشده، جایشان را به اعتراض و اعتصاب داده اند. چنین است اوضاع کنونی جامعه بحرانی ایران. با خروج آمریکا از برجام طبق ارزیابی ها بر شدت و عمق بحران کنونی افزوده خواهد شد.

در جامعه ای که معلمان در سراسر کشور دست به اعتراض بزنند و حاکمان نتوانند هیچ یک از خواست های آنها را بر آورده کنند، در جامعه ای که میلیون ها کارگر بیکار و میلیون های دیگر با کار اما مزدها پر داخت نمی شوند، میلیون ها زیر خط فقر بسر می برند، در جامعه ای که هر روز در اعتراض به وضع معیشتی خیزش اعتراضی در صد شهر صورت می گیرد و بالائی ها پاسخشان سرکوب، زندان، شکنجه و کشتار است، در چنین جامعه ای بی شک حاکمان فرومانده اند و درمانده و نظامشان به انتهای خط رسیده است. برای توده های دیگر راهی جز تغییر انقلابی باقی نمانده است.

اما تجربه این سالهای اخیر چه در ایران و چه در سطح منطقه و جهان گواه برای اینست که همه این اعتراضات، شورش ها و حتی انقلابات بدون وجود یک حزب مسلح به ایدئولوژی تغییر انقلابی، بدون حزبی که استخوان بندی اش در میان کارگران و زحمتکشان محکم شده باشد و در عمل قدم به قدم هر اعتراض و مبارزه توده ای سراسری را به پیروزی های تاکتیکی در برابر دشمن نرساند و توده ها به راستین بودن خط مشی آن باور نکرده باشند، حتی بزرگترین انقلابات هم به سر انجام پیروزمند نمی رسند. ما خود در ایران تجربه کرده و دیده ایم که چگونه یک دارو دسته اسلامی توانستند انقلاب را بسود نظرات خود مصادره کنند و آنرا به شکست کامل بکشانند. ما شاهد بهار عربی بودیم که بخاطر نبود بدیل هدایت کننده و تشکیلات کمونیستی همه ی انقلابات بسود طبقه ی حاکم بورژوازی و ضد مردمی تمام شدند. امروز وظیفه بس مبرمی در برابر نیروهای آگاه کارگری کمونیستی و انقلابیون



نیست بلکه موضوعی سود آور برای ارگان های خدمات بهداشتی است که با کادر کمتر پرستاری، بیمارهای بیشتری را تحت پوشش قرار دهند. مشکلی که باعث عدم رسیدگی و یا بوجود آمدن حوادث ناگوار در بیمارستان ها و مراکز درمانی کشور می شود. بویژه اینکه سوداگران در این رشته با تربیت کمک پرستار با دوره های کوتاه و پرخرج، از پرداخت حقوق بالاتر به پرستاران دانشگاه دیده و تحصیل کرده شانه خالی می کنند. اعتصاب اخیر پرستاران کشور نشان داد که تشکلات موجود یکی نظام پرستاری و دیگری انجمن صنفی پرستاری اساسا تشکلات مستقلی که بخواهند خود را مدافع خواست های صنفی پرستاران نمایند، نیستند. آنها بویژه نظام پرستاری که نهاد اصلی تری در بین آنهاست صرفا سوپاپ اطمینانی از طرف ارگان های بالای حکومتی برای کنترل این جنبش است. جنبش پرستاران به مثابه بخشی از جنبش کارگری و پیوند با آن می تواند خود را متشکل کرده تا بتوانند خواست های خود را بطور واقعی و پیگیرانه به پیش ببرند.

**زنده باد همبستگی جنبش پرستاران و کارگران**

**خواست های پرستاران باید بفوریت برآورده شوند**

ع.غ

اردیبهشت ۱۳۹۷

تعدادی از خودیها و سپردن آن بدست نهادهای واقعا صالح، تامین امنیت و استانداردهای محیط کار و سطح دانش عمومی، پایان دادن به اختلاف بین نیروهای کار در رشته کار بهداشتی از جمله بین پزشکان و پرستاران، بین پرستاران و کمک پرستاران، بین مریض ها و خانواده های آنان با پرستاران و اجازه به آنان برای ایجاد تشکلهای مستقل صنفی و سیاسی خودشان، کوتاه کردن دست مدیران از دخالت در امور پرستاران در زمینه های شخصی و اجرای استانداردهای علمی در رابطه با خدمات بهداشتی و درمانی.

اعتصابات و تحصن های اخیر پرستاران کشور که به سرعت به شهرها و بخش های مختلف کاری آنها کشیده شد از همین استثمار، ظلم بی حد و حصری است که بر آنان روا می رود. حرص و طمع سرمایه داری در ایران برای اینکه از هر امکان اجتماعی کلاهی برای خود درست کند به مسئله سیستم بهداشتی هم کشیده شده است. بعلت اینکه بودجه های دولتی برای سیستم درمان و بهداشت در ایران به نسبت سرانه بسیار پائین است و رسیدگی و دادن خدمات به بیماران در سطحی نازل عدم نارضایتی از این مسئله به برخورد پرستاران با بیماران و یا خانواده هایشان کشیده می شود. در حالیکه پرستاران در این میان هیچ تقصیری ندارند و حتی خود مورد ظلم و ستم و استثمار بیمارستان و یا واحد درمانی خود قرار دارند. کمبود پرستار و عدم تربیت پرستاران دانشگاه دیده مشکلی در سیستم آموزش و پرورش و برنامه ریزی و مدیریت جامعه پزشکی

**مستحکم باد همبستگی جنبشهای توده ای با جنبش کارگری**





## مبارزه علیه بستن کانال تلگرام

طبق آمار اکثریت مردم ایران از رسانه ی تلگرام برای ارتباط جمعی، تبادل اطلاعات استفاده می کنند. هیچ مقامی و هیچ قانونی نمی تواند این حق مسلم مردم را از آنها بگیرد. باید به این دیکتاتوری سیاه مرتجعان حاکم پایان داد.

دستگاه های امنیتی پس از خیزش صد شهر ایران، در همسویی و هم آهنگی و شعارهای ضد نظام در جریان اوج گیری جنبش های خیابانی و عقب نشینی منظم و بازهم هماهنگ ناشی از سرکوب وحشیانه ی معترضان، آنها تازه متوجه نقش سازمانده و قدرت ارتباطات گسترده ی مردمی شدند و برای جلوگیری از رشد این مبارزات کشتن مبارزان را سازمان دادند. این جنایتکاران او باش ضد مردمی همان هایی هستند که از پنجه های آنها خون مبارزان کمونیستی و آزادی خواه دهه ی شصت می چکد. امروز هم در روزهای خیزش تاریخی دیمه نود و شش، هزاران را دستگیر کردند، عملن تظاهرات اکثر شهر ها را به خاک و خون کشاندند و طبق آمار رسمی خود بیست مبارز قیام کننده را درخیابانها کشتند. اما دستگاه های امنیتی و حاکمیت پی بردند که این تازه گوشه کوچکی از خیزش عظیم مردمی، آتشی است زیر خاکستر که گر خواهد گرفت و دودمان دارودسته ی تروریست اسلامی و نظام سرمایه داری را که جز فقر و بردگی ببار نیاورده، خاکستر خواهد کرد. ترس چنان حاکمیت را فراگرفت، که آیت الله های عظمای قم را به اخطار واداشت که کاری نکنید مردم همه ما را به دریا بریزند! دارودسته خمینی که انقلاب عظیم توده های مردم علیه دیکتاتوری سلطنتی با کمک امپریالیسم آمریکا و رئیس جمهور کارتر منحرف کردند و دیکتاتوری بس شدید تر از قبل را مستقر ساختند. در این چهار دهه در همه زمینه ها و به دست همه گونه گرایشهای درون خودی به مرحله ی فرو ماندگی و گندیدگی رسیده است. امروز نه تنها تضاد های درونی حاکمیت شدیدتر شده، بلکه حتی دیگر هیچ جناحی توانائی ادامه حکومت را به شیوه سابق ندارد. هرچه پیش می رویم نیروهای امنیتی بال پر می گیرند و حتی رئیس جمهور هم عجز خود را در ناتوانی اداره کشور آشکار می کند و به دروغ وبا تزویر می گوید نمی دانم کی کانال تلگرام را بسته است و کی

رهبری آنها یکی شدن را به امری محال در جنبش کمونیستی تبدیل کرده اند. کمونیست ها باید پرچم اتحاد ویکی شدن را با تمام مشکلاتی که موجود است بلند کنند و در این امر نمونه باشند تا جنبش معلمان، جنبش زنان، جنبش پرستاران، جنبش دانشجویی وده ها جنبش دیگر به گرد تعیین کننده ترین جنبش تاریخی کشورمان یعنی طبقه کارگر آگاه جمع شوند. آنوقت است که نه تنها همه اعتراض ها به پیروزی دست می یابند بلکه آینده ی یک جامعه دمکراتیک، سوسیالیستی با افقی روشن برای خاتمه دادن به استثمار انسان از انسان تضمین خواهد شد. چاره ی رنجبران وحدت و تشکیلات است چاره ی کمونیستها یکی شدن برای ایجاد حزب کمونیست واحد انقلابی ایران است

دیلیم

اردیبهشت ۱۳۹۷



بجز نوشته هایی که با  
امضای تحریریه منتشر

می گردد

و بیانگر نظرات

حزب رنجبران ایران

می باشد، دیگر نوشته

های مندرج در نشریه

رنجبر به امضا های فردی

است و مسئولیت آنها با

نویسندگانشان می باشد.

جوان پای در عمل، قرار دارد. تجربه پیروزمند انقلابات جهانی را همه جانبه بررسی کنند، انقلاب کردن کارتوده هاست اما برای تضمین پیروزی آن بسود اکثریت عظیم مردم پیروی از اصول و داشتن برنامه ضروری است. دوران انقلابات بورژوائی به اتمام رسیده است، محمد رضا شاه "انقلاب سفید" را پیاده کرد، خمینی انقلاب مردمی را بسود "انقلاب اسلامی" به انحراف برد و نتیجه هردو انقلابات چون در چارچوب منافع نظام سرمایه داری بود و مالکیت خصوصی بروسائل تولید را تقویت کرد تنها و تنها به سود قشر کوچکی از سرمایه داران و بوروکرات های نظامی، اداری و روحانیت تمام شد. ما شاهد این دست پخت بورژوازی ایران هستیم که نه تنها بوئی از ایران دوستی و ملی بودن نبرده، بلکه چون دیر تر از همپالکی های اروپائی و آمریکائی اش پا به عرصه سرمایه داری گذاشته حریص تر عمل می کند و در برابر مقاومت کارگران و معلمان شدیدتر سرکوب می نماید.

زمان آن رسیده که کمونیست ها این واقعیت تاریخی را بعنوان آموزش همگانی به میان مردم برند و افکار توده های اعتراضی را روشن کنند که دوران انقلابات نوعی دیگر از بورژوائی که همچنان سرمایه داری سفره سلطه اجتماعی خود را پهن کند به پایان رسیده، تنها انقلابی می تواند بسود اکثریت مردم باشد که برنامه سیاسی اش سوسیالیستی باشد و نظامی با مالکیت عمومی بر و سائل تولید و نه خصوصی مستقر شود. اما امروز ما با یک نیروی پراکنده ی چپ و کمونیستی روبرو هستیم که هر کدام ساز خود را می زند و پرچم سکت خود را بجای پرچم طبقه کارگر بلند کرده است. با چنین روش و جهانبینی،





اشغال ۳۰٪ سرزمین سوریه  
بقیه از صفحه آخر

توسط ویتنی وب، تحقیقات جهانی - ۱۷  
آوریل ۲۰۱۸

پس از اینکه ایالات متحده در روز جمعه ۱۴ آوریل ۲۰۱۸، حملات هوایی علیه سوریه را آغاز کرد، نیکی هیلی، سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد، اعلام کرد که ایالات متحده حضور غیرقانونی خود در سوریه را برآورده نشود، اشغال ایالات متحده تا زمان نا محدودی ادامه خواهد یافت.

در حالی که حضور نظامی ایالات متحده در سوریه از سال ۲۰۱۵ تاکنون ادامه دارد - به عنوان توجیهی برای مقابله با داعش - نیروهای ایالات متحده با قصور خود متعاقب شکست داعش در شمال شرقی سوریه، هم چنان به یک نیروی اشغالگر تبدیل شده اند. در حال حاضر ایالات متحده آمریکا نزدیک به یک سوم از سرزمین سوریه را اشغال کرده است - از جمله منطقه ای در شرق رودخانه فرات که در برگیرنده مناطق وسیعی از دیر الزور، الحساقه و رقه می باشد.

اگر چه ایالات متحده در حال حاضر بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سرباز مستقر در سوریه دارد، اعلام کرد که آموزش "نیروی مرزی" ۳۰ هزار نفری مرکب از کردها و اعراب متحد ایالات متحده به منظور جلوگیری از منطقه شمال شرقی سوریه است که تحت کنترل دولت مشروع سوریه قرار نگیرد. گرچه پس از واکنش شدید ترکیه تا حدی عقب نشینی کرد، اما ایالات متحده به آموزش «نیروهای محلی» در منطقه ادامه داد. منابع نظامی روسیه قطعاً اظهار کردند که اعضای سابق داعش - که مجاز به ترک شهرهایی بودند که توسط ایالات متحده مورد حمله قرار گرفتند و نوکران نزدیک آنها همان طور که در مورد جنگ در رقه صورت گرفت - باید در میان صفوف نیروها قرار گیرند.

این واقعیت، همراه با اصرار امپریالیسم آمریکا برای حفظ اشغال گری تا زمانی که رئیس جمهور سوریه، بشار اسد از قدرت ساقط نشود، نشان می دهد که دولت ایالات متحده قصد ندارد سرزمین سوریه مجدداً به اتحاد دست یابد و به اشغال منطقه به مدت نا محدودی ادامه خواهد داد. اشغال غیر قانونی سوریه توسط دولت آمریکا به طور گسترده ای در رسانه های مستقل و شرکت های

حداکثر سود را بدست آورد. تشدید غلظت و خارجی شدن استفاده از زمین بدون تولید یک گرم مواد اولیه برای صنعت ملی. این وضعیت نشانگر وجود مستمریک دولت اپورتونیست است که از منافع سرمایه مالی بین المللی دفاع می کند و ضروری است که مبارزات کارگران و توده های مردم، متحد و عمیق تر شوند، از تفرقه و پراکندگی دوری کنند تا به خواسته های مهم دست یابند و در عین حال راه را برای یک حکومت ضد امپریالیستی و محبوب و یک وضعیت انقلابی باز نمایند.

شرایط برای مبارزه رو به رشد است و مبارزات بسیار مهم در حال وقوع می باشند، با وجود وزن اپورتونیسم در جهت PIT-CNT، مبارزات انجام شده توسط اتحادیه های مختلف، جایی که اعتصابات، سازماندهی مبارزات در مشاغل کشاورزی و مراکز کار در بخش کارگران، اتحادیه های شرکت های بزرگ دولتی سوخت و برق، علیه خصوصی سازی و تعطیل شدن کشاورزی، توسط اتحادیه های FANCAP و AUTE، در این روزها برجسته می شود. در این چند روز از ایجاد شورای حقوق بازنشستگی و تعریف دولت از مسئولیت پذیری سخن میرود.

طبقه کارگر و توده های مردم به یک دولت جهت تغییرات عمیق نیاز دارند، و همانطور که اتحادیه مردمی در برنامه خود پیشنهاد کرده، بدهی های خارجی را متوقف کرده و حسابرسی آن را تعیین می کند، ملی کردن بانکداری و تجارت

خارجی برای اجرای اصلاحات ارضی با سلب مالکیت بزرگ و دفاع و توسعه صنایع ملی که حداقل دستمزد ملی را به نیمی از سبد خانواده و سایر نقاط دیگر برنامه محبوب تبدیل می کند.

در این رابطه حزب ما روزانه در اتحادیه های صنفی طبقه کارگر، اتحادیه های دانشجویی، سازمان های اجتماعی و جبهه متحد کار می کند که دوازدهمین سالگرد خود را در هشتمین نشست ملی مبارزین در ۴/۲۸ برگزار می کند.

**پیش بسوی ارتقاء مبارزات طبقه کارگر بین المللی و سازمان یابی جهانی آن!**  
**با یاد جان باختگان! زنده باد اول ماه مه ریکاردو کوهن**

مسئول است و اقرار می کند که جو امنیتی دست بالا را دارد.

جرات به مبارزه را، جراتی که مردمان سلحشور دیمه، بهترین فرزندان پیشتاز انقلاب در حال شدن در عمل از خود نشان دادند باید پرچمی سرخ در مبارزه جاری برای پس گرفتن حق مسلم مردمی به دست گرفت.

هر انقلابی طبق شرائط مشخص زمانی و مکانی خودش شیوه ها و شعارهای خودش را داشته است. کمونیست ها و مبارزان آگاه وظیفه دارند با حرکت از خواست میرم توده ها و تمایل آنها به عمل اعتراضی و شیوه های عملی تشکیلاتی را برای پیشروی به جلو باز کنند. امروز حق استفاده از وسیله ارتباطی تلگرام یک مسئله عمومی مردم است و وظیفه کلیه احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست است در پیشاپیش صفوف مردم برای بازپس گرفتن این حق دمکراتیک و مسلمشان مبارزه کنند. این در عین حال مبارزه ایست علیه دستگاه های امنیتی که راس نظام آنرا برای سرکوب مبارزان در این سال ها بکار برده است

دیلیم  
۱۳۹۷/۲/۱۵



در جنبش جهانی کمونیستی بقیه از صفحه آخر

سقف افزایش دستمزد در بخش خصوصی، در شوراهای حقوق و دستمزد تعیین شده توسط دولت، همراه با اعلام اصلاح مالی، که قطعاً نیز کاهش حقوق و دستمزد در بخش دولتی را کم و بیش پنهان، به همراه دارد؛ و باید با آن بطور جدی مبارزه شود. در بخش کشاورزی، بحران وجود داشته، بسیج در سطح ملی ایجاد شده است، اما همانطور که چند سال پیش شاهد آن بوده ایم و خود اقتصاددانان Astori هر روز باید آنرا انکار کنند. تولید کنندگان کوچک و متوسط همچنان به ذوب شدن ادامه می دهند و به ۱۲۰۰۰ نفر در دهه گذشته کاهش یافته اند و ما باید هزاران نفر دیگر را اضافه کنیم و در حالی که دولت سیاست خود را برای حمایت از سرمایه بزرگ و سرمایه گذاری های انحصاری کشورهای امپریالیستی، مانند UPM، که همه انواع معافیت ها و امتیازات بی سابقه ای مانند مناطق آزاد، بنادر، زیرساخت ها و غیره را دریافت می کند تا از طریق تخریب منابع طبیعی کشور،





شرکت غول پیکر نفت و گاز آمریکائی به نام کوناکو فیلیپس ساخته شده بود، که این کارخانه تا سال ۲۰۰۵ کار می کرد و پس از تحریم های دولت بوش در سوریه کارائی خود را از دست داد. سایر شرکت های نفتی دیگر مانند شل نیز به دلیل تحریم ها سوریه را ترک کردند.

ایالات متحده که در حال حاضر منطقه را اشغال می کند، نفت و گاز تولید شده این منطقه را هم اکنون به نفع شرکت های انرژی آمریکائی مبدل کرده است که ترامپ و دولت او روابط متعددی با این شرکت ها دارند. به گفته پنی شفق، ایالات متحده همراه با سعودی ها، مصر و مقامات کرد، جلساتی را برگزار کردند تا تصمیم بگیرند که سوخت های فسیلی که در این منطقه استخراج شده، سهم قابل ملاحظه ای از این سودها به کردها داده شود. گفته می شود که کردها از سال ۲۰۱۵ به بعد ماهانه ۱۰ میلیون دلار درآمد نفتی داشتند. کردستان سوریه نفت خود را به کردستان عراق صادر می کند، که به راحتی آن را در مرز مشترک تصفیه می کنند و سپس در ترکیه به فروش می رسد. اگر چه هیچ شرکتی بطور عمومی در گیر نیست، معامله بین کردهای سوریه و کردهای عراق توسط « کارشناسان نفتی » بی نام و « سرمایه گذاران نفتی » بی نام، دلالی می شود. کردها در سوریه و عراق حتی شخصا این توافق نامه را امضا نکردند. آنها بعداً از توافقنامه توسط ایالات متحده « مطلع » شدند و به آنها دستور داده شد که در عملیات نظارت کنند.

یک منبع در دولت منطقه ای کردستان عراق گفت: « با توجه به جنوب کردستان، این یک شرکت بود و نه دولت منطقه ای کردستان، که این معامله را امضا کرد، و این [شرکت] است که بطور مستقیم نقدینه را ماهانه می پردازد. » با توجه به اینکه بیش از ۸۰ شرکت خارجی در تجارت نفت دولت منطقه ای کردستان دست دارند، اکثر آنها وابسته به ایالات متحده هستند، ما به جرات می توانیم فرض کنیم که بسیاری از این بازیکنان مشابه هم چنین در توسعه تجارت نفت کردستان سوریه نیز دست داشتند.

#### منافع عمده شرکت ها

ارتباطات بیشمار دولت ترامپ با صنعت نفت ایالات متحده، این اتحاد را روشن می کند. رکس تیلرسون، وزیر سابق امور خارجه، که در ماه مارس اخراج شد، قبلاً مدیر اجرایی شرکت اکسان موبیل بود، یک قرارداد نفتی یک جانبه بدون اطلاع دولت عراق با کردهای عراق منعقد کرد و

نفت و گاز سوریه را شامل می شود، از جمله العمر، بزرگترین میدان نفتی کشور. قبل از وقوع جنگ، این منابع روزانه ۳۸۷ هزار بشکه نفت و ۷.۸ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی سالانه تولید می کردند، و برای دولت سوریه این منابع اهمیت بسیار زیادی داشتند. معهذاً، بطور قابل توجهی، تقریباً تمام ذخایر نفت موجود سوریه - حدود دو و نیم میلیارد بشکه تخمین زده می شود - در منطقه ای که در حال حاضر توسط دولت ایالات متحده اشغال شده است، قرار دارد.

علاوه بر بزرگترین میدان نفتی سوریه، امپریالیسم آمریکا و نوکران نزدیک آن در شمال شرقی سوریه، هم چنین کنترل کارخانه گاز کوناکو، بزرگترین کارخانه تولیدی کشور را نیز در اختیار دارند. این کارخانه که می تواند تقریباً ۵۰ میلیون فوت مکعب گاز در روز تولید کند، در ابتدا توسط

بزرگ ملاحظه شده است، اما توجه کم رسانه ها به شناسائی مفاهیم وسیع این اشغال گری متمرکز شده است، و اهداف اصلی امپریالیسم آمریکا در حفظ شمال شرق سوریه این است که این منطقه تحت کنترل دولت منتخب مشروع و دمکراتیک سوریه در نیاید. هم چنانکه اغلب موارد اشغال گری ایالات متحده هم از نظر تاریخی و در حال حاضر، تلاشی ست متولد شده از دو هدف: کسب منافع برای شرکت های غول پیکر ایالات متحده و بی ثبات سازی دولت مورد هدف به منظور تغییر رژیم، حمایت شده توسط امپریالیسم آمریکا.

کنترل ذخایر سوخت فسیلی و ادامه این روند شمال شرق سوریه به دلیل منابع طبیعی غنی اش، به ویژه سوخت های فسیلی به شکل گاز طبیعی و نفت، یک منطقه مهم است. در واقع، این منطقه ۹۵ درصد از کل پتانسیل





در خاور میانه هدف قرار دادن کنترل قلمرو و تلاش برای تقسیم کردن کشورها به منظور ایمن سازی راه های حمل و نقل برای نفت و گاز است. در سوریه چنین برنامه هایی برای تقسیم بندی از سالهای ۱۹۴۰ تاکنون بوده است، یعنی از زمانی که منافع نفتی اروپا در شمال شرقی سوریه شروع به رشد کرد. از آن به بعد، چندین کشور تلاش کردند بخش هایی از شمال سوریه را اشغال کنند تا کنترل امن منطقه را برای اهداف استراتژیک، از جمله ترکیه و عراق و علاوه بر قدرتهای غربی تحت کنترل خود در آورند.

یک خط لوله مهم در حال حاضر در شمال شرقی سوریه وجود دارد که میدانهای نفت سوریه را به خط لوله جهان - کرکوک متصل می کند. اگرچه این خط لوله در سال ۲۰۱۴ آسیب جدی را متحمل شد، اما طرح هایی هست که قصد دارد آن را بازسازی کند یا یک خط لوله جدید در کنار آن ایجاد کند. بنابراین، شمال شرقی سوریه هم چنین دارای زیر ساختهای صادرات نفت می باشد که می تواند به راحتی کمک به نفت سوریه برای انتقال به ترکیه و سپس به بازار اروپا بکند. علاوه براین، کشمکش در سوریه - که هم اکنون در سال هفتم می باشد - بخشی از آن به عنوان یک نتیجه از درگیری های طرح پیشنهادی دو خط لوله که برای عبور از طریق سوریه بود، آغاز شد. سوریه، نه چندان زمانی قبل از این که از طرف نزدیکان بودجه خارجی کشور را تحت محاصره قرار دهند. پیشنهاد

حق انحصاری برای تولید نفت و گاز در مناطق سوریه تحت کنترل دولت سوریه را خواهد داشت.

از سال ۲۰۱۴، ایالات متحده به شدت تلاش کرده است تا بخش سوخت فسیلی روسیه را محدود کند، به خصوص صادرات این کشور به اروپا را و جایگزینی روسیه با سوخت های فسیلی تولید شده در ایالات متحده. همانطور که جان بوئتر، رئیس سابق مجلس نمایندگان در سال ۲۰۱۴ نوشت: « توانائی تغییر شرایط کنونی به نفع ما و قرار دادن پوتین تحت کنترل ما، در غالب ذخایر گسترده انرژی طبیعی ما نهفته است ».

پذیرفتن تقویت بخش سوخت فسیلی روسیه، چه در سوریه و چه در جاهای دیگر، به اهداف استراتژیک ایالات متحده صدمه وارد می سازد، یعنی به مجموعه نهائی ترازنامه شرکتها و چشم انداز ایالات متحده برای حفظ یک جهان یک قطبی با هر هزینه ای، موقعیت: نقشه های خط لوله و تحمل صفر با بازی با روسیه علاوه بر منابع سوخت فسیلی آن، موقعیت استراتژیک سوریه باعث می شود تا جاری شدن منطقه ای هیدروکربن ها بسیار مهم باشد. دارا بودن بخش شمال شرقی سوریه تحت کنترل ایالات متحده و نزدیکان آن می تواند تأثیر مهمی بر خطوط لوله های موجود و آینده داشته باشد. همانطور که نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۳ اشاره کرد، « منطقه یا موقعیت برجسته و نیروی عضلانی سوریه، این کشور را مرکز استراتژیک خاور میانه می سازد. » به همین دلیل، اکثر سیاستهای ایالات متحده

ابراز علاقه به منظور توسعه منافع نفت سوریه که در بخشی از کشور که در حال حاضر توسط ایالات متحده اشغال شده است، کرده است.

اِکسان موبیل نیز در خط لوله پیشنهادی قطر سهم عمده ای داشت که عدم پذیرش آن توسط اسد عامل مهمی در آغاز تجاوز در سوریه بود. ترامپ خودش، قبل از تصویب ریاست جمهوری، هم چنین سرمایه گزاریهای عظیمی در اِکسان موبیل داشت - هم چنین در ۱۱ شرکت نفت و گاز دیگر، به انضمام شرکت توتال، کانوکا فیلیپس، بی اچ پی و شِورون سرمایه گذاری دارد.

علاوه بر این، اگرچه تیلرسون اکنون اخراج شده است، جایگزینی او، مایک پامپئو، به همان اندازه یکی از آقازاده های همدست دیگری برای صنعت نفت و گاز ایالات متحده است. مایک پامپئو « وصول کننده شماره یک هر زمان » از صنایع کوک (۱) می باشد، که دارای منافع متعددی در اکتشاف نفت و گاز، حفاری، خطوط لوله و پالایش سوخت فسیلی ست.

در حالی که اشغال سوریه توسط امپریالیسم آمریکا بدون شک انگیزه ای برای خواست بهره برداری از منابع نفت و گاز منطقه برای خود است، امتناع ایالات متحده برای ترک منطقه نیز از نگرانی است که ایالات متحده از رقیب اصلی خود، روسیه دارد، چون روسیه، ثروت نفت و گاز در شمال شرق سوریه را به اشغال خود در خواهد آورد. در واقع، طبق یک چارچوب همکاری انرژی که در ماه ژانویه امضا شده، روسیه





آمریکائی که نفت را از قطر به اروپا جاری شود به نفع پیشنهاد روسیه است که این گاز طبیعی از ایران سرچشمه می گیرد را رد کرد. گرچه این پیشنهادات خط لوله دیگر در شکل دهی انگیزه ها قدرتمند نیستند، هم چنان که آنها در گذشته بودند - بطور عمده به دلیل شکاف بین قطر با سایر شیخ نشین های خلیج و بهبود روابط با ایران - بخش شمال شرقی سوریه همچنان در قبال اهداف ایالات متحده نقش اساسی ایفا می کند. بر اساس انتشار نشریه آلمانی (۲)، ایالات متحده با هدف نهایی تامین نفت به اروپا، با طرح های خود که یک خط لوله جدید از خلیج فارس به شمال عراق و به ترکیه و از طریق شمال شرقی سوریه است را توسعه داده است. روسیه به خاطر اهداف خود، مخالف این طرح می باشد، زیرا هدف روسیه صادرات سودآور سوخت های فسیلی به اروپاست.

#### آب و سرزمین

به غیر از سوخت های فسیلی و خطوط لوله، شمال شرقی سوریه دارای یک چنین مزیت دیگر از لحاظ منابع است. یکی از مهم ترین این مزیت ها آب می باشد - یک منبع مهم در خاور میانه. بخش تحت کنترل ایالات متحده در سوریه به سه تا از بزرگترین ذخایر آب شیرین کشور که توسط رودخانه فرات تغذیه می شود، قرار دارد. یکی از آن مخازن که اکنون توسط ایالات متحده و نوکران نزدیک آن کنترل می شود، دریاچه اسد است که بزرگترین مخزن آب شیرین کشور می باشد و اکثر آب آشامیدنی حلب را که تحت کنترل دولت اسد است، تامین می کند. این رودخانه هم چنین بخش بزرگی از نیروی الکتریسیته که توسط سد تبکا تولید می شود را تامین می کند که هم چنین در قلمرو اشغالی قرار گرفته است. یکی دیگر از نیروگاه های برق آبی (هیدروالکتریک) مهم در سد تشرین واقع شده است و هم چنین توسط نیروهای نزدیک تحت حمایت ایالات متحده کنترل می شود. جنگ جویان کرد پس از تسخیر کوه عنان از چنگ نیروهای داعش (هم چنانکه در عکس بالا نشان می دهد) از بالای کوه که سد تشرین در معرض دید قرار دارد. این منطقه در جنوب کوبانی می باشد، سوریه - ۲۷ دسامبر ۲۰۱۵ (عکس: از رودی سعید) علاوه بر منابع آب فراوان این منطقه، شمال شرقی سوریه نیز نزدیک به ۶۰ درصد از زمین های کشاورزی سوریه را شامل می شود، که یکی از منابع مهم در زمینه پایداری و استقلال مواد غذایی سوریه است.

قبل از این کشمکش ها، به منظور آوردن زیر ساخت های آبیاری سوریه به شدت در این منطقه سرمایه گذاری کرد تا علی رغم خشکسالی های منطقه امکان پذیر شدن کشاورزی ادامه یابد. بخش عمده ای از این زیر ساخت های آبیاری توسط سد اشغال شده تبکا تامین می شود که آب زراعی را برای ۲۵۰۰ مایل مربع از زمین های کشاورزی را فراهم می سازد.

#### طرح بازی برای اشغال، جداسازی

بر خلاف منابع سوخت فسیلی شمال شرق، ایالات متحده انتظار ندارد که از منابع آب و منابع کشاورزی منطقه چیزی عایدش گردد در عوض، مصلحت استراتژی وجود دارد و دو هدف اصلی دارد. اول، کنترل بر این منابع - به ویژه آب و جریان رودخانه فرات - به ایالات متحده یک مزیت کلیدی می دهد که می تواند در بی ثبات سازی سوریه استفاده کند. به عنوان مثال، ایالات متحده می تواند به راحتی آب و برق در بخش های تحت کنترل دولت اسد را به منظور فشار بر دولت و غیر نظامیان سوریه قطع کند. اگر چه اقداماتی از این نوع علیه غیر نظامیان جنایات جنگی محسوب می شود، ایالات متحده پیش از این از چنین تاکتیک هایی در سوریه استفاده کرده است، مانند نبرد برای رقه، زمانی که منبع آبرسانی به شهر را متوقف می سازد تا نوکران نزدیک ایالات متحده کنترل شهر را از دست داعش خارج سازند. کشورهای دیگری همچون ترکیه دو بار در جریان بحران سوریه جریان آب رودخانه فرات را به منظور کسب مزیت استراتژیک قطع کردند. با کنترل بسیاری از زمین های کشاورزی و آب کشور - البته بدون اشاره به منابع سوخت فسیلی آن - اشغال ایالات متحده نه تنها هدف خود را به منظور بی ثبات کردن دولت سوریه با محروم کردن این کشور از درآمدش انجام می دهد؛ هم چنین از درگیری های گسترده تری از سوریه و متحدان آن که مشتاق جلوگیری از یک اشغال دراز مدت دیگر توسط ایالات متحده در خاورمیانه و ادعای مجدد سرزمین سوریه هستند، را دعوت می کند. دوم راه دیگر ایالات متحده در بی ثبات کردن سوریه: از طریق اشغال شمال شرقی دارد، برنامه ای است که سعودی ها را وادار به بازسازی بیشتر منطقه می کند. گرچه ایالات متحده در ابتدا خود را با کردها در شمال شرق سوریه متحد کرد، مخالفت با ترکیه موجب شد واشنگتن بیشتر به کار در

منطقه با اعراب، به ویژه با کسانی که از متحدان یا در گذشته بخشی از گروه های وهابی وابسته به عربستان سعودی بودند، به منظور ایجاد یک محاصره تحت کنترل عربستان که می تواند در سالهای آینده برای بی ثبات کردن مناطق تحت کنترل دولت سوریه مورد استفاده قرار گیرد. این ناحیه به مانند استان ادلیب تنظیم شده است، که اساساً یک محاصره برای تروریست های وهابی است.

طرح ایالات متحده برای ایجاد یک سرزمین محصور وهابی در شمال شرقی سوریه بطور مستقیم در گزارش آژانس اطلاعاتی امنیتی (۳) از سال ۲۰۰۲ ارجاع شده است. این گزارش اظهار داشت:

«کشورهای غربی، کشورهای حوزه خلیج فارس و ترکیه که از اپوزیسیون سوریه دفاع می کنند... امکان ایجاد یک قلمرو اعلام شده یا اعلام نشده سلفیستی در شرق سوریه (ایساکا و دیرالزور) (۴)، و این دقیقاً چیزی ست که قدرتهای حمایت کننده اپوزیسیون می خواهند، به منظور منفرد کردن دولت سوریه»... (نوشتن با حروف تأکید شده اصیل) علیرغم شکست داعش، حضور آنها در شمال شرق سوریه، به عنوان آژانس اطلاعاتی امنیتی نشان می دهد، که بهانه ایست برای کنترل منطقه توسط نیروی خارجی. شطرنج تقسیم بندی: تفکر دو حرکت به جلوائن که آیا سعودی ها یا کردها در نهایت بر بخشی از سوریه که هم اکنون در اشغال ایالات متحده است، غالب می شوند، موضوع اصلی نیست. هدف اصلی ایالات متحده در تسخیر منطقه شمال شرقی سوریه، جزء اهداف بلند مدت این امپریالیسم برای تکه تکه کردن سوریه می باشد، که به موجب آن بطور دائم شمال شرق کشور را از بقیه کشور جدا کند.

در سرتاسر بحران سوریه، دولت ایالات متحده بارها تلاش کرده است تا تقسیم بندی را به عموم بقبولاند، و استدلال می کند که تقسیم بندی "تنها" راه حل برای جلوگیری از کشمکش «فرقه ای» در سوریه می باشد. معهذاً، این فرقه گرایی بطور خودخواهانه و بد بینانه مهندسی شده و تخریب شده توسط قدرتهای خارجی صورت گرفته تا دقیقاً کشمکش رایج کنونی را در سوریه ایجاد کنند و در نهایت تکه تکه کردن سوریه را توجیه کنند.

ویکیلیکس آشکار ساخت که سازمان جاسوسی "سیا" از اوایل ماه مارس ۲۰۱۱، در بر انگیختن تظاهرات ضد اسد و فرقه گرایی در گیر بود. اسناد غیر محرمانه





شده سازمان "سیا" نشان می دهد که طرح فرقه گرایی بطور مستقیم مهندسی شده به منظور اعمال تقسیم بندی سوریه و تضعیف دولت اسد بر می گردد به حد اقل سالهای ۱۹۸۰. ایده تقسیم بندی نیز بارها و بارها توسط دولت اوباما جار زده می شد که در واقع چندین بار اظهار داشت که « ممکن است خیلی دیر شده باشد » تا سوریه بتواند کل کشور را حفظ کند.

اگر چه دولت اوباما آمد و رفته است، به لطف انتصاب اخیر جان بولتون به سمت مشاور امنیتی ملی، دولت ترامپ نیز برای تحمیل این تقسیم بندی فشار می آورد. همان طور که مینیت پرس اخیرا گزارش داد، جان بولتون از مدتها قبل، از ترکیب شمال شرقی سوریه با شمال غربی عراق برای ایجاد یک کشور جدید که بولتون آنرا « سونیستان » ( ۵ ) نامیده است، که بر منابع سوخت فسیلی دو کشور و از تامین منابع کلیدی آب و کشاورزی منطقه برای حفظ جمعیت غلبه خواهد کرد، صحبت می کرد. بولتون از کشورهای عربی خلیج فارس مانند عربستان سعودی خواست تا این منطقه را تامین مالی کند - از این جهت، تلاش های اخیر دولت ترامپ برای مذاکره به منظور "معامله" با سعودی ها که آنها کنترل بخش اشغال شده ایالات متحده در سوریه را بپذیرند، و در صورتیکه آنها موافقت کنند، ۴ میلیارد دلار نیز بابت بازسازی بپردازند.

هدف ایران است

در حالی که کنترل منابع کلیدی برای تقسیم سوریه و بی ثبات کردن دولت در دمشق صورت می گیرد، هدف اصلی ایالات متحده در اشغال مناطق نفت خیز و آب غنی سوریه، ایران است. همانطور که شرکت اطلاعاتی استراتفور، مستقر در ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ اشاره کرد، کنترل منطقه شمال شرقی سوریه باعث می شود مسیر زمینی بین سوریه و ایران و همچنین مسیر زمینی بین ایران و لبنان را پیچیده تر کند. در ماه ژانویه، تیلرسون این هدف را روشن کرد. تیلرسون در سخنرانی در دانشگاه استنفورد خاطر نشان کرد که "کاهش" نفوذ ایران در سوریه، یک هدف کلیدی برای ایالات متحده و دلیل عمده اشغال آن در شمال شرق سوریه است.

با قطع مسیر بین تهران و دمشق، ایالات متحده به مقدار قابل توجهی « محور مقاومت » منطقه را بی ثبات، محاصره و تضعیف می کند - همراه با متحدین منطقه ای خود - و خواهد توانست نفوذ و کنترل منطقه ای خود را تا حد زیادی افزایش دهند. با توجه

به پیمان بین دول سوریه و ایران و هم چنین توافق دفاع دو جانبه آنها، اشغال این سرزمین به منظور تضعیف هر دو کشور لازم است و یک پیش درآمد کلیدی برای دولت ترامپ که طرح دارد تا ایران را منزوی و جنگ علیه ایران براه بیندازد، می باشد. با گزارشات داخلی هشدار در مورد رو به تضعیف ایالات متحده به عنوان « تنها ابر قدرت جهان »، ایالات متحده قصد خروج از سوریه را ندارد، چرا که این کشور بیشتر و بیشتر فرومانده برای حفظ نفوذ خود در منطقه و هم چنین حفظ نفوذ شرکتها که بیشترین سود و مزایا را از امپراتوری ایالات متحده می برند را حس می کند.

//////////

Whitney Webb is a staff writer for MintPress News and a contributor to Ben Swann's Truth in Media. Her work has appeared on Global Research, the Ron Paul Institute and 21st Century Wire, among others. She has also made radio and TV appearances on RT and Sputnik. She currently lives with her family in southern Chile.

- 1 - Koch Industries
- 2 - Deutsche Wirtschafts Nachrichten
- 3 - Defense Intelligence Agency (DIA)
- 4 - Hasaka and Der Zor
- 5 - Sunnistan



دو روش متضاد در مبارزه طبقات متخاصم با یکدیگر! بقیه از صفحه آخر

کشورهای عقب مانده هستیم که بیشتر از هر زمان گذشته تا بدان جا پیش رفته اند که مرز بین درست و نادرست را با تمام توان خود مخدوش نموده و این دروغها را به عنوان نکات درست و واقعی تجاوزات وحشیانه ای سازمان داده اند. ازجمله برنامه ی توجیه گسترش تجاوزات بربرمنشانه به خاورمیانه را با بال و پر دادن جریان تروریستی القاعده از یک سو و نسبت دادن به حملات هوایی آنان به دو آسمان خراش وال استریت نیویورک، ازسوی دیگر، زمینه را برای تجاوزات نئوکانه های حاکم آمریکا با حمله نظامی به افغانستان (۲۰۰۱) و اشغال این کشور تا به امروز را با این

دروغ برنامه ریزی کردند. باحیله مجدد وجود سلاحهای کشتارجمعی در عراق - علیرغم تکذیب آن توسط بازرسان سازمان ملل - تجاوز نظامی حاکمان نومحافظه کار آمریکا به عراق (۲۰۰۳) سازمان داده شد. امروز نیز تشدید تضادمنافع بین امپریالیستهای شرق و غرب - مشخصا بین آمریکا با روسیه رقیب یکدیگر - دروغ مسموم کردن یک جاسوس دوجانبه روسیه و انگلیس و دخترش توسط روسها را با کمک امپریالیسم انگلیس به بحران جدی دیپلماتیک مبدل نمودند. سپس با استفاده ای مشکوک از روش گرفتارنمودن کودکان با گازضدتنفسی شیمیایی توسط نیروهای تروریستی درشرایطی که پیشروی ارتش سوریه آنان را به هزیمت و شکست از منطقه کشانده بود، امپریالیستهای آمریکا، انگلیس و فرانسه با نسبت دادن دروغین آن به ارتش سوریه علیه مردم، جنگ سرد گذشته را به سطح بالاتر جنگ ولرم دخالت مستقیم جنگی درتجاوز به سوریه ارتقاء دادند. راه اندازی جریان تروریستی داعش ازجمله با بسیج عده ای در کشورهای اروپایی به زیر رهبری ابوبکر البغدادی نمونه ی دیگری به زیرسلطه درآوردن خاورمیانه و غیره به منظور حکمرانی برجهانیان را خونسردانه به اجرا درمی آورند.

پدیده ی فریب و ریا در کشورهای عقب مانده نیز مشخصا توسط هیئت حاکمه ازجمله درایران با دروغ پردازیهای مشابهی، هیچگاه قطع نشده است. اینان شیره مالیدن به سر مردم را پیوسته اتخاذ کرده و به کاربرده اند. به طوری که درجریان مبارزه کارگران و زحمت کشان علیه رژیم سلطنتی - «شاه سایه ی خدا است»- و نیروهای مدافع حاکمیت اسلامی- با پیش کشیدن شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» و «مرگ برآمریکا» - خود را مخالف با آمریکا معرفی کردند. درحالی که درهمان ایام مخفیانه و قبل از دست یابی به قدرت دولتی در مذاکره و سازش با امپریالیسم آمریکا توانستند بر سرضدیت با کمونیسم و حفظ نظام سرمایه داری، ارتش وابسته رژیم سلطنتی را به کمک امپریالیسم منفعل ساخته، و درپناه این شعار «ارتش برادرماست» دروغین و گول زدن توده های مردم در راس قدرت دولتی ایران قراربگیرند. خمینی به مردم قول داد که به جرگه طلبه ها درقم می پیوندند، و مسئله اش قرارگرفتن در راس قدرت دولتی نیست. اما ان قول بیشتر از یک ماه طول نکشید.

با دروغ دیگر مجانی کردن بهای



استفاده از آب و برق و تامین مسکن در طبل توخالی تبلیغاتی حاکمان جدید، جهت گمراه ساختن مردم دمیده شد. سپس ایران را به بزرگترین قتل گاه مبارزان کمونیست و آزادیخواه تبدیل نمودند. با زنان و کارگران به طور وحشیانه ای رفتار کردند و امروز مدعی وجود آزادیهای مردم ایران هستند و به جای خدمت به مستضعفان، ایران را به بزرگترین مستضعف ساز جهان مبدل کرده اند!

این ایدئولوژی فریبکار حاکم در کشورهای سرمایه داری در میان بخش عظیمی از نیروهای فعال به ظاهر ضد رژیم در میان کارگران و زحمت کشان نیز رخنه کرده و همین دودوزه بازیها و دروغ گوئیها در میان این نیروهای سیاسی، اخلاقی و فرقه گرائی مخربی به وجود آورده است. با رایج نمودن این طرز تفکر و روشهای مضموم از جانب اقشار و طبقه مدافع رژیم جمهوری اسلامی ایران در جامعه، نیروهای سیاسی ظاهرا مخالف نظام حاکم «معصومان» گرفتار این ریاکاری شده اند.

برای اثبات این ادعا از این جا شروع می کنیم که با بررسی دقیق فعالیتهای طبقه کارگر طی ۲۰۰ سال مبارزه طولانی سخت و بغرنج توأم با مرگ و زنده گی، در کسب حقوق دزدیده شده ی خویش، گرویدن صادقانه و مصممانه ی بخشی از عناصر وابسته به بورژوازی به صف مقدم و پیشروی طبقه کارگر، با آموختن از مبارزه طبقاتی کارگران، دست یابی به بینش ماتریالیسم دیالکتیکی، طرد دیدگاههای ایده آلیستی و یک جانبه، تحلیل حرکت مبارزات طبقاتی در تاریخ چند هزار ساله بشر و کشف مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله به مثابه علت العلل برقراری استثمار و ستم تولیدکنندگان، و افشای ریاکاری حاکمان را به طور علمی به وجود آمد. این تئوری علمی تاکید نمود که عامل عمده ی به وجود آورنده ی این از خود بیگانگی و ریاکاریها از تحمیل مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله توسط اقلیت حاکم است. لذا بشریت در تغییر وضع نابرابری موجود با ایجاد احزاب راستین انقلابی کمونیست در کشورهای جهان براساس این تئوری، تلفیق این دیدگاه عمیق مادی و دیالکتیکی همه جانبه به شرایط مشخص هر کشور، پیشروی مبارزات و انقلاب کارگری جهت نابود کردن طبقات متخاصم با برقراری سوسیالیسم و کمونیسم می تواند صورت گیرد. تاریخ مبارزات طبقه کارگر در ۲۰۰ سال اخیر و کسب قدرت توسط پرولتاریا نشان داد پیروزی این

مبارزات درگرو محکم به دست گرفتن این تئوری و پیاده کردن آن در شرایط عملی هر کشور می باشد.

آیا این دستور علمی طبقه کارگر از جمله در ایران به کار بسته شد؟ یا با نفوذ برخورد غیر مسئولانه به این اصول و گرویدن به دروغ پردازیهای غیر پرولتری به خصوص توسط رهبری تشکلهائی که خود را کمونیست می پندارند، به روند فرقه گرایی و خود مرکز بینی و تضعیف صف متحد و مبارز واحد طبقه کارگرانجامیده است:

(۱) - آیا کمونیسم علمی، رهنمود ایجاد احزاب مختلف کمونیست در یک کشور و از جمله در ایران را توصیه کرده یا نه؟ و اگر نه، چرا تشکیل دهنده گان این تشکلهای اصول کمونیستی به بی راهه های ناکجا آباد ترسیم شده توسط بورژوازی و خرده بورژوازی کشانده شده اند؟ **جواب مسلما این است که پیاده کردن پلورالیسم حزبی بزرگترین سرگردانی را در این طیف از نیروها به وجود آورده است.**

عدم اعتماد طبقه کارگر و توده های زحمت کش به این احزاب و تشکلهای در ایران نشانی است از هشجاری طبقاتی کارگران، که این فرقه گرایان، با شکست مواجه شده اند. این رخ داد نشان داد که نمونه ی عدم اجرای رهنمود حزبی کمونیسم علمی، تحمیل فرقه گرایی به جای ایجاد وحدت نظری و عملی تشکیلاتی و رهبری فہیم و توانا در پیوند و شرکت فعال کارگران کمونیست، کج راه غیر کارگری و غیر کمونیستی می باشد.

چنین روش بیگانه از رهنمود کمونیسم علمی در پراتیک مبارزاتی طبقاتی طبقه کارگر، با عدول از آن، با پیروی از آموزه های بورژوازی حاکم کنونی در دامن زدن به فرقه گرایی و خودخواهیها به ویژه توسط رهبران این تشکلهای، فراتر نمی تواند برود. **پس کمونیستهای راستین در درون این تشکلهای که تئوری کمونیسم علمی را قبول دارند، علیه تفرقه افکنان اخلاقی گر در این تشکلهای باید قاطعانه بپا خیزند و با قدرت تمام براساس رهنمودهای پیروز کمونیسم علمی در ایجاد حزب کمونیست انقلابی واحد ایران در پیوند فشرده با کارگران که ستون اصلی این حزب باشند، دست به دست هم داده و این امر مبرم کنونی طبقه کارگر را عملی سازند؟**

(۲) - مگر نه این است که کسانی که از درون مبارزه طبقاتی طبقه کارگر به تئوری کمونیسم علمی دست یافته و به مبارزه پرداخته اند نظیر زنده یاد شاهرخ زمانی که با شور و شوق و حرارت بی نظیری

از تجارب انقلابی به دست آمده در دوره کوتاهی از حیات مبارزاتی پرثمر خود در خدمت به ایجاد حزب و تشکلهای توده ای کارگران پافشای نمود، اکنون وظیفه ی کمونیستهاست که باید نشان دهند از نظرات علمی کارگران کمونیست آگاه می آموزند و در ایجاد حزب کمونیست انقلابی واحد ایران به آن عمل می کنند؟

اما در میان بسیاری از نیروهای چپ جدا از طبقه کارگر، نه تنها به اجرای رهنمودهای کمونیسم علمی خود را موظف نمی دانند، بلکه از دستوردهای انقلابی طبقه کارگر در کسب قدرت و ساختمان سوسیالیسم در قرن گذشته نیز دفاع نکرده و در موضع مشابه دشمنانه ای ایستاده اند که نظام جهانی سرمایه داری در نفی این دستوردها دروغهای شاخدار سیاه نمائی را علیه انقلابهای سوسیالیستی و دمکراتیک نوین تحت رهبری حزب کمونیست و دست آوردهای سوسیالیسم پخش کرده اند.

گرچه نمونه های فراوانی در این مورد موجود است که ذکر آنان به قول معروف مثنوی ۷۰ من کاغذ می شود، ولی باید تاکید نمود که دروغهای امپریالیستها و کمونیستهای منحرف در نفی دستوردهای کمونیستها و طبقه کارگر، صدمه بزرگی به اعتبار جنبش آگاه کمونیستی و انقلاب کارگری و ساختمان سوسیالیستی تا بدان حد زده اند که نظام سرمایه داری توانسته است با وجود به راه انداختن جنایات عظیم خود را آخرین مرحله ی رهایی بشریت معرفی کند و تفرقه گیری در میان جنبش کارگری را به بحران هویتی بزرگی تبدیل نماید.

(۳) - در حالی که ندای رسای پیشروان طبقه کارگر مبرم بودن ایجاد حزب کمونیست در ایران در دهه ی اخیر توسط شاهرخ زمانی به گوش همه رسیده، اما جماعتی برخاسته از میان طبقه کارگر و با ادعای یافتن مرض تفرقه و پراکندگی، تئوری جدیدی را نه در پیاده کردن نظرات شاهرخ و اصول کمونیسم علمی بلکه در شروع از صفر، با طرح تجمع «بدون شرط و شروط گذاشتن برای هیچ کس و پذیرش بستر سازی» برای تدارک ایجاد حزب و برای ساخته شدن آن «یک قدم عقب تر از ایجاد حزب برداشت» را پیش کشیده، مبارزه ی اصولی و علمی را کنار گذاشته و خط بطلان به تجارب گذشته پیروز علمی طبقه کارگر و کمونیستها زده و دلیلی هم که ارائه می شود این است که «وجود اصول و برنامه و تاکتیک در ایجاد حزب» روش درستی نیست و در ۸۰ سال اخیر هم این کار غلط



به تارنما های اینترنتی  
حزب رنجبران ایران  
مراجعه کنید  
و نظرات خود را  
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران  
[www.ranjbaran.org](http://www.ranjbaran.org)

سایت آینه روز  
[www.ayenehrooz.com](http://www.ayenehrooz.com)

سایت رنجبر آنلاین  
[www.ranjbaran.org/01\\_ranjbar-online](http://www.ranjbaran.org/01_ranjbar-online)

سایت آرشیو روزنامه  
رنجبر  
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

و می خواهند از صفر کار را شروع کنند در توجیه نظر خود مدعی می شوند که مخالف نظری هستند که می خواهد در خارج از ایران حزب بسازد!

آیا در شرایطی که خط پلورالیسم سیاسی در خارج از ایران بی داد می کند، این ادعای جدید در زمره ی دروغها و یا ریاکاریهائی است که اولاً اگر این ادعا درست باشد، چرا در این ۴۰ سال اخیر در خارج «حزب کمونیست ایران» به وجود نیامده؟ و ثانیاً بودند تشکلهائی که به خاطر غلبه بر سکتاریسم موجود ضرورت وحدت کمونیستها را در پیوند با طبقه کارگر خواستار بودند را عاقدانه به ایجاد حزب در خارج متهم کردند تا خدشه ای به تداوم فرقه گرائی وارد نشود.

اما ایجاد حزب در هر کشوری منوط به تشکیل کنگره موسس آن در خارج و یا در داخل نیست، بلکه تشکیل موفقیت آمیز آن با ایجاد آماده گی نظری و عملی با استخوانبندی اساسی کارگری آن در داخل مسئله ی اساسی است که این هم توضیح و اضحات است که این برنامه و کیفیت کارگری آن منوط به مبارزه شدید ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی و سبک کاری و محکم به دست گرفتن آموزه های کمونیسم علمی در ایجاد حزب است. با گشادبازی بدون شرط و شروط و در بستر پر از خار و خاراسنگ طبقاتی، ایجاد تجمعی از دگماتیستها، سکتاریستها، اپورتونیستها، پلورالیستها، اکونومیستها، آنارشئیستها، انحلال طلبها، رویزیونیستها، منفی بافان و غیره و غیره نشان دهنده ی درکی معلول از مبارزه طبقاتی می باشد که راه حل همه جانبه ای ارائه نمی دهد و حاضر به بیرون آمدن از سراب نیست؟ درحالی که با قبول رهنمودهای کمونیسم علمی و تلاش روی وحدت دهی در مشخص کردن آنها در پیوند با طبقه کارگر دقیقترین راه حل برای تحقق تشکیل حزب کمونیست انقلابی واحد ایران می باشد.

با توجه به آن چه که گذشت کمونیستها در جست و جوی کارگران کمونیست و روشنفکران کمونیست راستگو همت گماشته و صف متحد و مصممی را در ایجاد حزب به صورت امری مبرم و اجتناب ناپذیر گام بگذارند. وزنجرهای طبقات ارتجاعی به پای طبقه کارگر و روشنفکران کمونیست بسته شده را از هم بگسلند.

ک. ابراهیم  
اول اردیبهشت ۱۳۹۷  
(۲۱ آوریل ۲۰۱۸)



بوده و به جائی نرسیده است! از این طریق عنصر مبارزه ایده نولوژیک فعال طبقاتی و کمونیستی را فدای روشی می کنند که از نظر تاریخی اثبات شده نیستند؟! شما چه دلیلی دارید که برنامه های فرقه ای و نه جمعی کمونیستی، در ایجاد حزب واحد کمونیست انقلابی در ایران ارائه شده که با آموزشهای کمونیسم علمی مطابقت داشته اند اما کاری نیافتادند؟ از جمله از طریق کارگری نبودن اکثریت عظیم این تشکلهای روشنفکرانی که از خارج کشور درآستانه ی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ وارد ایران شدند و در شرایط ناتوانی تئوریک «سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له -» و عدم پذیرش تشکیل سمینار با دعوت تشکلهای موجود در کردستان به دروغ با انگ پوپولیستی زدن به دیگر نیروهائی که رهبری طبقه کارگر بر دیگر نیروهای خلقی را، قبول داشتند، به اتهام دنباله روی از بورژوازی انگ زدند، خود را به نام «حزب کمونیست ایران» معرفی کردند. انشعابات مکرر بعد از «ایجاد حزب کمونیست ایران» نشان داد که در ابتدای کار مشترکشان سرهم بندی و عدول از رهنمود کمونیسم علمی در ایجاد حزب واقعاً کمونیستی صورت گرفته بود. طولی نکشید که انشعابگری در میان رهبران این حزب بزرگترین ضربه را به تشکلهای چپ مدافع کمونیسم زدند. امری که نشان داد برنامه این حزب کیفیت کمونیستی و کارگری نداشته است.

بدین ترتیب، به علاوه پرچم «پرولتاریای کشورها متحد شوید!» تحت اصول کمونیسم علمی توسط این احزاب مدعی «خود بهترین»، صورت نگرفت. جالب این که بعد از گذشت نزدیک به ۴۰ سال هنوز این تشکلهای مدعی حزب کمونیست ایران بودن نه تنها در داخل نتوانسته اند طبقه کارگر ایران را به سوی حزب جلب کنند، بلکه کوچکترین قدمی هم در خدمت به ایجاد انترناسیونالیسم پرولتاری کمونیستی برنداشته و برنامه ای هم در تحقق این مورد، نداشته اند. به این اعتبار در شرایط فقدان محکم به دست گرفتن تئوری کمونیسم علمی و تهیه ی برنامه انقلابی در کار مشترک کمونیستها در سطح کشوری و جهانی تا به حال صورت نگرفته و کار فرقه ای مصرانه انجام یافته که نتیجه اش کارساز نبودن ایجاد احزاب مختلف در هر کشور هم عیان شده است.

(۴) - و اما در رابطه با ایجاد حزب: امروز آنانی که با پیشنهاد «شرط و شروط نگذاشتن و بسترسازی» وارد کارزار شده و آموزشهای کمونیسم علمی را کنار گذاشته



## درجنبش جهانی کمونیستی

از نشریه حقیقت شماره ۱۱۹ ارگان حزب کمونیست انقلابی اروگونه ریکاردو کوهن - آوریل ۲۰۱۸

**"برخورد به بخش تغییرات اجتماعی"**

افزایش ناامنی، بازپرداخت دستمزد، انحلال صنایع ملی و تولیدکنندگان کوچک و متوسط این زمینه و خصوصیات جدید.

آمارهای مربوط به بیکاری INE امروزه شناخته شده است، این آمار نشان می دهد که مورد دست کاری قرار گرفته است، زیرا

آنها ده ها هزار کارگر را که فقط گاهابطور موقت به کار مشغول اند و کسانی را که در بیمه بیکاری هستند، خودسرانه جزو بیکاران به حساب نمی آورند.

با وجود این، این ارقام در حال حاضر نشان دهنده افزایش قابل ملاحظه ای در نرخ بیکاری است که در ماه فوریه در سطح ۹,۳٪ قرار دارد، ۹,۸٪ در مونته ویدئو، ۷,۲٪ از مردان و ۱۱,۸٪ از زنان.

طبق داده های خود دولت، در طول سه سال ۴۲۰۰۰ شغل را از دست دادند، که

عمدتا در بخش تولید صنعتی، کشاورزی و ساخت و ساز می باشد. این در حالی است که رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۷ به میزان ۲,۷٪ است که در سال جاری به دولت گفته می شود همین میزان و یا تا حدودی بالاتر خواهد بود.

این همچنین بر پایه دستمزد مضحک کمتر از ۲۲۰۰۰ دلار برای اکثر کارگران، با سبد خانواده ۷۸۰۰۰ دلار و پس از یک دهه ۳۰ درصد کاهش قیمت بالای مواد خام و رشد اقتصادی بیش از ۵ درصد در سال. وضعیت موجود بنا به

## اشغال ۳۰٪ سرزمین سوریه

چگونه امپریالیسم آمریکا به طور غیرقانونی ۳۰ درصد از سرزمین سوریه وشامل بیشتر نفت، آب و گاز آن را اشغال کرده است

در حالی که کنترل منابع کلیدی به منظور تقسیم سوریه و بی ثبات کردن دولت در دمشق صورت می گیرد، هدف اصلی ایالات متحده در اشغال مناطق شمال شرقی سوریه نه تنها به خاطر کنترل نفت و آب غنی سوریه، بلکه مقصود سمت اعمال نفوذ به ایران است.



## دو روش متضاد در مبارزه طبقات متخاصم با یکدیگر!

در تاریخ چندهزارساله ی جوامع طبقاتی، حاکمان ارتجاعی جهان با ردیف کردن فریب و دروغ از لحظه ای تا پایان تاریخ جهت حفظ وضع حاکم و محکوم درنگ نکرده و به اشاعه ی آن پرداخته اند.

از آن جمله، وجود نابرابری در جوامع متکی بر مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله را به دروغ امری «مقدس» معرفی کرده اند: «برابرنبودن ه انگشت بشر» باهم را دلیل اثبات ضرورت وجود این

حاکم پرداخته و اصرار ورزیده اند: «نیاید به نزدیک دانایند - شبان خفته و گرگ در گوسفند» و در عصرهای روشنگری با حضور پرولتاریا و مبارزه با دزدان نیرنگ باز حاکم با دیدگاه انقلابی کمونیسم علمی، مواضع ارتجاعی مملو از فریب و ریا را برملا ساخته اند.

به عنوان نمونه، درسالهای اول قرن بیست و یکم، شاهد دروغ پردازیهای قدرتمندترین حاکمان کشورهای امپریالیستی و در

نابرابری، به مثابه امری طبیعی و ابدی تبلیغ کرده اند که سراسر بی پایه است. این روش به گمراهی کشاندن توده های مردم، به صورتهای مختلف به جوامع جهان توسط حاکمان تزریق شده و در کشاندن طبقات محکوم به پذیرش این حیطه ی تزویر و ریا و رسوخ دادن آن پیوسته تلاش صورت گرفته است. اما عناصر آگاه و متفکر درگذشته تاریخی جوامع طبقاتی، به افشای این فریب کاری و دروغ پردازیهای طبقات

## با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar  
P.O.Box 5910  
Washington DC  
20016  
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.org@gmail.com  
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:  
www.ranjbaran.org